



آثار تربیتی انیمیشن‌های غربی بر تربیت کودکان

زهره باقری نژاد *



امروزه هر یک از اقشار مختلف مردم، به نوعی مخاطب و هدف رسانه‌ها قرار گرفته‌اند. در این میان، کودکان به دلیل تلقین‌پذیری بالا و قدرت تعقل و تجزیه و تحلیل پایین، در قبال پیام‌های رسانه، بسیار منفعل عمل می‌کنند. بخش عمده‌ای از برنامه‌های کودکان، در قالب انیمیشن است که توسط شرکت‌های بزرگ بین‌المللی تولید می‌شود. این برنامه‌ها بسیار جذاب بوده و می‌تواند آنان را ساعت‌های طولانی سرگرم کند. از طرفی امروزه در جامعه ما انیمیشن‌های دوبله شده، مقبولیتی عام یافته و والدین تمایل زیادی برای خرید آنها دارند و صدا و سیما نیز به صورت گسترده‌ای به نمایش این برنامه‌ها می‌پردازد؛ غافل از اینکه محتوای انیمیشن‌های غربی می‌تواند روند تربیت فرزندان ما را متحول کند. در مقاله حاضر، برخی پیام‌ها و آثار منفی گنجانده شده در این انیمیشن‌ها، مورد بررسی قرار گرفته است. این محتواها که برخاسته از مکاتب فلسفی، همچون اومانیزم، هدونیسم و پست‌مدرنیسم هستند، جهان‌بینی و گرایش‌های کودکان را به صورتی بسیار نرم و تدریجی به سوی مکاتب الحادی غرب سوق می‌دهند و زمینه گرایش و انتخاب آنها را در بزرگسالی، نهادینه می‌کنند.

واژگان کلیدی: انیمیشن، تربیت، والت دیزنی، پست‌مدرنیسم، امانیزم، هدونیسم.



مقدمه

چند سالی است که انیمیشن‌های دوبله شده در تیراژ بالا در دسترس خانواده‌ها قرار گرفته و شبکه توزیع خانگی در کنار پخش آنها از صدا و سیما، دسترسی به آنها را بسیار آسان کرده و باعث شده هر برنامه انیمیشنی، قابلیت بارها دیده شدن را بیابد. از طرف دیگر، زندگی آپارتمان‌نشینی که امکان بازی و جست‌وخیز کافی را از کودکان سلب کرده در کنار عواملی دیگر چون تک‌فرزندی، کم‌رنگ شدن رفت و آمدهای خانوادگی و مشغله زیاد والدین به‌ویژه مشغله مادران، نظیر کار در خارج از منزل و ...، باعث شده والدین تمایل زیادی برای سرگرم کردن کودکان خود به وسیله انیمیشن‌ها داشته باشند و با خرید یک سی‌دی، ساعت‌ها فرزندان خود را مشغول نگه دارند. سرگرمی‌هایی که ظاهراً بی‌ضرر و بی‌خطر هستند؛ غافل از اینکه با این کار، عملاً تربیت فرزندان خود را به شرکت‌های انیمیشن‌سازی می‌سپارند تا آنها مفاهیم مورد نظر خویش را در قالبی بسیار زیبا و جذاب و اثرگذار در ذهن کودکان آنها بنشانند؛ به‌ویژه اینکه تربیت در کودکی بیشتر تلقینی است و کودکی زمان شکل‌گیری گرایش‌هاست؛ گرایش‌هایی که در بزرگسالی، منشأ تصمیم‌گیری‌های افراد و انتخاب‌های آزاد و آگاهانه آنان می‌شود. در واقع آنچه در کودکی اتفاق می‌افتد، زیربنا و شاکله شخصیت افراد

فصلنامه علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول
پیش‌شماره دوم

زمستان ۱۳۹۱



را می‌سازد، به طوری که کمتر کسی می‌تواند آثار تربیت‌کودکی خود را به طور کامل تغییر دهد، مانند این آیه از قرآن: «کل يعمل علی شاکلته» (اسرا/۸۴). در واقع می‌توان انیمیشن‌ها را صرف‌نظر از وجه سرگرم‌کننده‌شان، یک ابزار آموزشی بسیار قوی و مؤثر تلقی کرد که قابلیت القای مفاهیم را به شکلی ماندگار و اثرگذار دارند. با توجه به اثرگذاری بالای رسانه به‌طور عام و انیمیشن به‌طور خاص بر روی کودکان و عرضه روزافزون آثار دوبله شده و همچنین مقبولیت عام آنها نزد کودکان و والدین، بررسی محتوای این برنامه‌ها و آثار تربیتی ناشی از تماشای آنها را ضروری می‌نماید. این مسئله از آن رو حائز اهمیت است که این محصولات در دامان فرهنگی دیگر زاده شده‌اند و از لحاظ محتوایی و امدار تولیدکنندگان خویش هستند؛ فرهنگی که تفاوت‌ها و تضادهای بنیادین آن با فرهنگ خودی، بر کسی پوشیده نیست؛ لذا حتی با صرف‌نظر کردن از وجه ستیزه‌جویانه و استعلایی فرهنگ غرب و مباحث جنگ نرم نیز، بررسی تفاوت‌های موجود در این دو محتوای تربیتی، ضروری می‌نماید. لذا در مقاله حاضر در پی پاسخ به این سؤال هستیم که انیمیشن‌های غربی چه آثار و پیام‌های تربیتی برای فرزندان ما دارند؟ اگر محتوای انیمیشن‌ها باعث شکوفایی فضایل انسانی و الهی کودکان شود و آنها را با زندگی اخلاق‌مدار مأنوس سازد، جای بسی خرسندی است؛ اما اعتراضات و تحریم‌هایی که از سوی برخی منابع فرهنگی در غرب به این برنامه‌ها صورت گرفته، نشان می‌دهد که چندان هم نمی‌توان به این موضوع خوشبین بود. از مهم‌ترین این اقدامات می‌توان به اعلان جنگ اقتصادی دو سازمان بزرگ

مسیحی آمریکا، یعنی سازمان کلیسای کاتولیک و بابتیست‌های جنوبی، علیه والت دیزنی اشاره نمود.

در سال (۱۹۹۶)، «اتحادیه کاتولیک حقوق مدنی و مذهبی» اعلام نمود که از هر نوع ابزار قانونی در جهت بایکوت محصولات، استفاده خواهد نمود تا شرکت دیزنی را وادار نماید به جنگ خود با ارزش‌های دینی خاتمه دهد. این گروه‌ها، حمله شرکت به ارزش‌های سنتی و خانوادگی و به‌ویژه ترویج همجنس‌بازی را از دلایل بایکوت محصولات آن، عنوان نمودند. با این حال ظاهراً این نوع تحریم‌ها، تأثیر چندانی نداشته‌اند؛ زیرا محصولات و تولیدات شرکت دیزنی به صورت بسیار گسترده و تحت عنوان شرکت‌های فرعی دیزنی پخش می‌شود و البته مهم‌ترین علت را می‌توان بی‌اطلاعی و انفعال افکار عمومی خواند (طاهری، ۱۳۹۱). بنابراین بررسی پیام‌ها و آثار تربیتی انیمیشن‌های غربی، آن هم در شرایطی که هر روز به تعداد و میزان مقبولیت آنها افزوده می‌شود، امری ضروری به نظر می‌رسد.

در مقاله حاضر، از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری ابتدایی داده‌ها استفاده شده و پس از مطالعه کتب و منابع اینترنتی، با روش تحلیل مفهومی به بررسی محتوایی برخی انیمیشن‌ها پرداخته شده و نتیجه‌گیری صورت گرفته است.

از آنجایی که اکثر انیمیشن‌های معروف و محبوب دنیا در شرکت بین‌المللی والت دیزنی^۱ و شرکت‌های وابسته به آن تولید می‌شوند، بهتر است در ابتدا نگاهی اجمالی به تاریخچه این شرکت بیندازیم.

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول

پیش‌شماره دوم

زمستان ۱۳۹۱



1. The Walt Disney Company.

والث دیزنی، بزرگ‌ترین شرکت انیمیشن‌سازی دنیا

شرکت «والث دیزنی» یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های رسانه‌ای و سرگرمی جهان است که در ۱۶ اکتبر، (۱۹۲۳) توسط دو برادر یهودی به نام‌های «والث» و «روی او»^۱ تأسیس شد. این شرکت که در ابتدا یک استودیوی کوچک انیمیشن‌سازی بود، بعدها تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین استودیوهای هالیوود و صاحب یازده شهرسازی و چند شبکه تلویزیونی شد. اولین محصول این شرکت «فایق بخاری ویلی»^۲ با حضور شخصیت میکی موس بود. برخی دیگر از محصولات آن عبارتند از: تام و جری، سفیدرفی و هفت کوتوله (۱۹۳۷)، پینوکیو (۱۹۴۰)، بامبی (۱۹۴۲)، سیندرلا (۱۹۵۰)، رابین هود (۱۹۵۲)، شیرشاه (۱۹۹۴)، مجموعه داستان‌های اسباب‌بازی‌ها (۱۹۹۵-۲۰۱۰)، در جستجوی نمو (۲۰۰۳)، بالا (۲۰۰۹)، مجموعه اتومبیل‌ها (۲۰۰۶-۲۰۱۱) و

پس از مرگ والث دیزنی، مدیریت این شرکت به یک یهودی به نام مایکل ایزنر^۳ منتقل شد و پس از آن به گفته مایکل مدود^۴ به زودی یهودیان، سراسر دیزنی را در بر گرفتند. اکنون این شرکت با هشت بنگاه انتشارات کتاب، هفده مجله، شبکه تلویزیونی ای بی سی با ده ایستگاه تلویزیونی که در پنج بازار برتر جهان مشغول به فعالیت هستند و سی ایستگاه رادیویی، یازده کانال کابلی، سیزده کانال پخش بین‌المللی، هفده سایت اینترنتی و پنج گروه موسیقی مشغول به کار است (زرهانی، بی‌تا).

رابرت دی. ویلیامز^۵، رئیس گروه کارکنان همجنس‌باز دیزنی در سال (۱۹۹۷) اعلام کرد که حدود ۴۰ درصد کارکنان این شرکت، همجنس‌باز

1. Walt.
2. Roy O.
3. Michael Eisner.
4. Michael Medved.
5. Robert D. Williams.

هستند و این شرکت یکی از بزرگ‌ترین حامیان همجنس‌بازی در حوزه برنامه‌های تلویزیونی است (مشرق، بازدید در ۹۱/۶/۱).

بررسی برخی محتواهای انیمیشن‌ها

در ادامه به بررسی برخی مضامین فلسفی، اعتقادی، اخلاقی، تربیتی و سیاسی نهفته در انیمیشن‌ها خواهیم پرداخت.

۱. اومانیسیم^۲: تمدن جدید غرب، بر پایه مبانی اومانستی شکل گرفته است. اومانیسیم یا همان اصالت انسان، به معنی محوریت انسان در هستی و تسلط کامل وی بر سرنوشت خویش است. در این دیدگاه انسان در جایگاه خداوندگاری قرار گرفته که با تکیه بر عقل خود، برای خود، جامعه، طبیعت و هرچه بتواند، تصمیم‌گیری می‌کند. از منظر اعتقادی می‌توان گفت، اصالت انسان، بزرگ‌ترین شرک و بی‌عدالتی است؛ چرا که به این طریق همه چیز بر محوریت انسان تعریف می‌شود و این در نقطه مقابل جهان‌بینی الهی است که خداوند را محور و کانون هستی قلمداد کرده و همه چیز انسان و جهان را به دست او می‌داند. لذا اسلام با اومانیسیم جمع نمی‌شود (عباسی، ۱۳۸۲، ۶۱).

اومانیسیم در انیمیشن‌ها به صورت یک نیروی فوق‌العاده برای شخصیت اصلی داستان و موفقیت بی‌حد و حصر او در تمام اهدافش نمایان می‌شود؛ به طوری که مخاطب را به نوعی اعتیاد در تحقق خواسته‌هایش می‌کشاند و سهم مقدرات را در زندگی فرد ناچیز شمرده و آنها را چون عوامل مزاحمی قلمداد می‌کند که با تلاش فرد رفع می‌شوند. این تفکر در انیمیشن‌های غربی



به قدری پررنگ است که حتی در انیمیشن مذهبی «شاهزاده مصر»^۱ که به روایت زندگی حضرت موسی عليه السلام می‌پردازد (البته با تحریف‌های محتوایی قابل توجهی که در آن صورت گرفته) نقش ایشان در نجات قومش بسیار پررنگ‌تر و مهم‌تر از پروردگار است و مانند سایر آثار هالیوودی، بشر با غلبه بر مشکلات به پیروزی دست می‌یابد (ترابی مهربانی، بی‌تا).

شاید بتوان گفت، از مهم‌ترین آسیب‌های چنین طرز تفکری در حوزه اعتقادی، بی‌معنا شدن مفهوم قضا و قدر الهی و نفی ربوبیت خداوند است؛ در حالی که قرآن می‌فرماید: «قل لا املک لنفسی نفعاً و لا ضراً الا ماشاءالله» (یونس/۴۹). به علاوه این امر، باعث شکل‌گیری شخصیتی با انتظارات غیرواقعی و تصویری موهوم از توانمندی‌های خویش می‌شود که در عمل، با شکست و ناکامی مواجه می‌شود و منبع معنوی و ماورایی برای تسکین آلام خویش نمی‌یابد.

۲. شرک در خالقیت: در کنار شرک در ربوبیت که در قالب اومانیسیم مطرح می‌شود، گاه شرک در خالقیت نیز در برخی انیمیشن‌ها گنجانده شده است؛ به‌طور مثال در انیمیشن «شیاطین فانتزی» می‌بینیم که هر یک از حیوانات و نیز انسان، خالق و رب‌النوع خاص خود را دارد و همه این رب‌النوع‌ها در آسمان، در سطحی مساوی بر روی ابرها نشسته و هریک به کار خلقت خویش مشغول است و پرنده‌های نامه‌رسان، مخلوقات آنها (نوزادان هر نوع) را به والدینشان می‌سپارند تا آنها را بزرگ کنند؛ در این انیمیشن علاوه بر تبلیغ چندخدایی و شرک، خلقت انسان را نیز مانند خلقت

سایر حیوانات معرفی کرده و او را از همان جنس می‌داند (اشاره به نظریه تکامل داروین) (شبکه در انتهای افق، بازدید در ۹۱/۵/۲۰).

۳. شیطان پرستی: اما ماجرای ضدیت با خدا در انیمیشن‌ها، به همین جا ختم نمی‌شود و در بسیاری از آنها عقاید و نمادهای کابالایی، شیطان پرستی و فراماسونری گنجانده شده تا ذهن کودکان معصوم از همان اوائل کودکی با چنین مفاهیم و نمادهایی مأنوس شده و زمینه پذیرش آنها در بزرگسالی فراهم آید. به عنوان مثال در تصویر زیر دقت کنید:



به عدد شیطان (۶۶۶) در نوشتن نام والت دیزنی توجه کنید! و نیز به؛

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول

پیش شماره دوم

زمستان ۱۳۹۱



- نقش چشم جهان‌بین در بالای هرم در سمت چپ؛
 - ستاره پنج‌پر شیطان‌پرستان در محل قرار گرفتن میکی موس، شخصیت معروف والت دیزنی؛
 - صلیب برعکس شده مسیح در زیر پای موش و قرار گرفتن موش در جهنم؛
 - علامت شیطان با دست بدون عصا؛
 - لباس مخصوص ماسون اعظم به تن موش (با علامت گونیا و پرگار) و دستکش سفید ماسونی که در همه‌جا میکی موس با آن دیده می‌شود؛
 - در سمت راست، نقش، نماد ایالات متحده آمریکا (ایالات متحده شیطانی)، (گزارش مشرق، بازدید در ۹۱/۶/۱).
- این پوستر تنها یکی از نمونه‌هایی است که اهداف و نیات درونی مدیران والت دیزنی را نشان می‌دهد.
۴. خشونت: در انیمیشن‌ها به کرات شاهد صحنه‌های خشن هستیم. این مسئله از آن‌رو حائز اهمیت است که برخی کودکان، قوانین جهان خیال را با قوانین واقعی اشتباه می‌گیرند. داستان‌های خشونت‌آمیز و وحشتناک در انیمیشن‌ها، ساده‌سازی و استاندارد شده و به عنوان بخشی از آداب و سنن روزمره، وارد زندگی کودکان می‌شوند. از جمله این انیمیشن‌ها می‌توان به تام و جری و میگ میگ اشاره کرد (کاویانی‌فر، بازدید در ۹۱/۵/۲۵).
۵. سکس و معاشقه: از دیگر مضامینی که ذهن کودکان را پیش از موعد مناسب با دنیای بزرگسالی پیوند داده و از دنیای کودکی می‌گسلد، پرداختن به مقوله سکس و معاشقه در انیمیشن‌ها است. این امر در کنار سایر عوامل

محیطی و ...، موجب بلوغ زودرس شده و با برانگیختن حس کنجکاوی کودکان، موجب صدمات جبران‌ناپذیری در روند تربیت جنسی صحیح آنان می‌شود. این موضوع علاوه بر این که دست‌مایه اصلی برخی انیمیشن‌ها از جمله سیندرلا، سفیدبرفی، شرک و... است، در اکثر انیمیشن‌ها نیز به صورت یکی از داستان‌های فرعی حضور دارد. به نظر نگارنده، انیمیشن‌هایی از قبیل، شیر شاه، موش سرآشیز، گیسو کمند و ماداگاسکار از این دست هستند.

۶. مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی: نیز از دیگر مقولات و مفاصد اخلاقی است که به درون برنامه‌های کودکان وارد شده است.

سازمان «والدین و تلویزیون» آمریکا، آخرین نتایج تحقیقات خود را با عنوان «کارتون سرگرمی نیست» منتشر کرده است. بر اساس اطلاعات سایت نیلسون، نتایج تحقیقات، بیان‌کننده حقایق تکان‌دهنده‌ای از محتوای انیمیشن‌های شبکه‌های مخصوص کودکان و نوجوانان است. «تیم وینتر»، رئیس این سازمان می‌گوید: «نه تنها بسیاری از مطالبی که به بزرگسالان مرتبط هستند به درون انیمیشن‌ها وارد شده، بلکه اکثر برنامه‌های کودکان را نیز دربرگرفته است. داده‌ها نشان می‌دهند که داستان‌های محبوب، امروزه مملو از بی‌حرمتی به همه چیز است؛ از تجاوز جنسی گرفته تا مصرف مواد مخدر؛ و هم اکنون مضامین جنسی، بیشتر از خشونت در انیمیشن‌ها یافت می‌شود. این سازمان ۱۲۳ قسمت از برنامه‌های انیمیشنی را به منظور یافتن مضامین جنسی، خشونت، مواد مخدر و بی‌عفتی و بی‌حرمتی، از ۲۱، مارس، (۲۰۱۱) تا ۱۴، آوریل، (۲۰۱۱) بررسی کرده است. کارشناسان طی چهار



هفته بررسی این برنامه‌ها، ۱۴۸۷ مورد دربارهٔ مضامین مختلف فوق، مستندسازی کرده‌اند. به‌طور متوسط این بینندگان خردسال در هر ۲ دقیقه و ۱۹ ثانیه، در معرض یکی از موضوعات فوق قرار داشته‌اند. هر چند دوبلورهای ایرانی، برخی صحنه‌های زنده را حذف می‌کنند؛ اما حذف اکثر آنها عملاً غیرممکن است (مشرق، بازدید در ۹۱/۶/۷).

۷. اغراض سیاسی: آیا میکی‌ماوس و تام و جری، نماد یهودیان هستند؟

میکی‌ماوس، جزء مشهورترین شخصیت‌های کارتونی دیزنی است که برای اولین بار در ۱۸ نوامبر ۱۹۲۸ معرفی و خیلی زود تبدیل به ستاره بیش از ۱۲۰ کارتون مختلف شده است. بد نیست بدانیم که میکی‌ماوس، اولین شخصیت مشهور آثار والت دیزنی، نمادی از همان یهودی سرگردان و بی‌کس است که مدام از سوی رقیبان قوی‌تر تهدید می‌شود و او صرفاً با اتکا به زیرکی و چالاکی خویش، بر تمامی دشمنان فایق می‌آید. این قبیل آثار، در دادن حس اعتماد به نفس به مخاطبان یهودی - که دقیقاً مفهوم سمبل «موش» را می‌فهمند - ظاهراً در آلمان نازی و همچنین سایر مناطق اروپا، یهودیان را با القابی چون موش کثیف مورد خطاب قرار می‌دادند] و همچنین در دادن الگویی دغل‌باز و بدجنس به کودکان و نوجوانان بی‌گناه، تأثیر به‌سزایی دارند». امروز هم تداوم این شخصیت کارتونی را در انیمیشن «تام و جری» می‌توان مشاهده کرد که موشی بدجنس و فریب‌کار، با تکیه بر شیطنت‌ها و ناجوانمردی‌هایش به طرز اعجاب‌آوری، همیشه بر گربه‌ای نادان و احمق پیروز می‌شود (گزارش مشرق، بازدید در ۹۱/۶/۷).

کارشناسان معتقدند، برخی انیمیشن‌ها از قبیل لوک خوش‌شانس، جوجه اردک زشت، سندباد، شیرشاه، گالیور، هاج زنبور عسل، سیندرلا و کشتی نوح با اغراض سیاسی ساخته شده و در آنها نماد پردازی‌هایی در جهت اهداف صهیونیستی صورت گرفته است (درخشانی، ۱۳۸۵).

به عنوان مثال، جیمز بلک ول، استراتژیست حزب جمهوری‌خواه آمریکا، معتقد است که منطقه خاورمیانه همان لی‌لی‌پوت است. از نظر وی نقشه گنجی که گالیور و آن کاپیتان دریایی بر سر آن دعوا می‌کنند، چیزی نیست جز نفت خاورمیانه که مردم لی‌لی‌پوت اصلاً به آن توجهی ندارند و فقط می‌خواهند امنیت‌شان حفظ شود، کاری ندارند که منابع زیرزمینی‌شان به یغما می‌رود یا نه (عباسی، ۱۳۸۲، ۴۲).

۸. رقص و موسیقی محرک: به نظر می‌رسد این نیز یکی از اجزاء جدایی‌ناپذیر انیمیشن‌ها است و شاید یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های آن که باعث می‌شود ذائقه کودکان و تلقی آنها را از شادی به شدت تحت‌تأثیر قرار؛ به طوری که وقتی کودک از همان بدو امر، بروز شادی را تنها در قالب رقص و پایکوبی و موسیقی تند مشاهده کند، به آن خو گرفته و ذائقه‌اش در بزرگسالی، نوع دیگری از شاد بودن را که همراه با جذبه معنوی و آرامش درون باشد و نه حرکات تند بدنی نمی‌تواند درک کند. یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌های موسیقی، غفلت از یاد خدا است و دلی که با موسیقی خو بگیرد، به تدریج لذت بردن از صوت آسمانی قرآن را به فراموشی خواهد سپرد. در حرمت رقص نیز روایات بسیاری آورده شده به طوری که حرام بودن آن،



مورد اجماع فقها است. در برخی انیمیشن‌ها، موضوع اصلی داستان، رقص و آوازه‌خوانی است، مانند «آلین و سنجاب‌ها» و در بسیاری دیگر، به‌عنوان موضوع فرعی در کنار سایر آموزه‌ها و سبک‌های زندگی گنجانده شده و در واقع به ارائه الگوی جهانی برای ابراز شادی تبدیل شده است.

آموزه‌های پست‌مدرنی در انیمیشن‌های دهه اخیر

با رواج فلسفه پست‌مدرن در چند دهه اخیر، آموزه‌های این مشرب فکری به تدریج وارد عرصه‌های مختلف فرهنگ و هنر و از جمله انیمیشن شده است. عده‌ای معتقدند که پست‌مدرنیسم که در واکنش به خط‌کشی‌ها و مرزبندی‌های سخت مدرنیسم، شکل گرفته است و ایده‌ای است پیچیده و متناقض از آراء مختلف، برای تغییر در قوانین انعطاف‌ناپذیر دوران مدرنیته؛ لذا یکی از اصلی‌ترین شعارهای آن «تغییر» است. مضامین پست‌مدرنیستی در بدو امر، بسیار خلاقانه و مثبت به نظر می‌رسند؛ اما بررسی تبعات و لوازم چنین دیدگاهی ما را به آسیب‌های تربیتی خاصی رهنمون می‌شود. در ادامه، ابتدا به شرح مختصری از برخی مفاهیم کلیدی فلسفه پست‌مدرن می‌پردازیم و سپس ردپای این آموزه‌ها را در دو انیمیشن معروف «موش سرآشیز» و «شیرشاه یک و نیم» بررسی خواهیم کرد.

۱. نفی فراروایت‌ها: یعنی نفی هرگونه مفهوم مرکزی و ایده برتری که افکار، عقاید و رفتار فرد را به جهتی خاص سوق دهد. این ایده مرکزی می‌تواند باور به خدا و دین، قانون، اخلاق، سنت‌های پیشینیان و ... باشد

(کهن، ترجمه رشیدیان، ۱۳۸۱، ۱۳۴). این اصل در تربیت، به شکل نفی قوانین زندگی جمعی، سنت‌ها و هنجارهای جامعه و اهداف تربیتی و آموزشی نمودار می‌شود. در چنین وضعیتی، جریان تربیت نباید هیچ هدفی را دنبال کند و فرد باید هر لحظه در حال آزمودن مسیرهای جدیدی بوده و با عبور از خط قرمزها و قوانین، زندگی نوآورانه و خاص خود را بسازد. شخصیت‌مربی در این حال، مانند کلاژی چهل تکه، گوناگون و متزلزل است و هیچ مرزبندی اخلاقی، دینی، تربیتی و قانونی برایش معتبر نخواهد بود و آنچه مسیر او را جهت می‌دهد صرفاً امیال درونی او است تا دنیای خاص خود را بسازد، دنیایی که منحصر به خود او است و گاه ممکن است با زندگی نوع خود، تفاوت‌های بی‌حد و حصری داشته باشد. این ایده هر چند به صورت جهت‌دار و کنترل شده می‌تواند زمینه‌ساز خلاقیت کودک و نوجوان شود و او را به پیمودن و آزمودن راه‌های جدید و یافتن مسیرهای نوآورانه تشویق کند؛ اما چون مبتنی بر نفی همه قوانین و خطوط قرمز بوده و هیچ مرزبندی را بر نمی‌تابد، در عمل می‌تواند بسیار خطرناک باشد و منجر به نوعی لجام‌گسیختگی و خودکامگی شود. به‌ویژه در دوران نوجوانی که فرد به‌طور معمول در مورد ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای جامعه، دچار تردید می‌شود، اگر سنگ بنای صحیح و محکمی برای بازسازی عقاید خود نداشته باشد، ممکن است دچار آسیب‌ها و تهدیدهایی شود که آثار آن تا سال‌های متمادی و حتی تا آخر عمر در زندگی او ساری و جاری باشد. به‌طور مثال تصور کنید نوجوانی که در کودکی در قالبی بسیار شیرین و جذاب با شخصیت‌های

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت

سال اول

پیش‌شماره دوم

زمستان ۱۳۹۱



انیمیشنی مأنوس شده که با عبور از همه خط قرمزها و هنجارهای جامعه و البته توصیه‌های بزرگ‌ترها همیشه به نتایج تحسین برانگیزی دست یافته که همان بزرگ‌ترها را به اعجاب و تحسین واداشته است. اگر این نوجوان تصمیم بگیرد راه‌های غیراخلاقی، چون اعتیاد یا همجنس‌بازی را در پیش گیرد، چگونه و با چه منطقی می‌توان او را بازداشت؟ حتی اگر نوجوان این حد از هنجارشکنی را در پیش نگیرد، باز هم کم‌ترین آسیب چنین طرز فکری این است که فرد، دیگر پاسدار حریم ارزش‌ها نخواهد بود و در خود، انگیزه قوی برای التزام عملی به آنها نخواهد یافت. چنین فردی نه تنها از لحاظ موضع‌گیری در برابر حق و باطل متزلزل و سست خواهد بود؛ بلکه در برابر حریم‌شکنان نیز بی‌تفاوت بوده و سعی می‌کند شیوه رفتار آنها را نیز به عنوان سبک متفاوتی از زندگی بپذیرد و به عقیده آنها احترام بگذارد. این درحالی است که در تربیت اسلامی، ضمن احترام به فردیت افراد و تمایزهای آنان که از آن به «وسع‌های مختلف» انسان‌ها یاد می‌شود، مسیر حق و باطل به روشنی ترسیم شده و از تبعیت کورکورانه از سنت‌های جامعه و آداب پیشینیان نهی شده است و انبیاء و مصلحان، همواره افراد را به تجدیدنظر در سنن اشتباه پیشینیان تشویق کرده‌اند؛ اما تفاوت این ساختارشکنی با ساختارشکنی پست‌مدرن، در جهت‌گیری آن است (باقری، ۱۳۸۵، ۸۹).

۲. عقل‌ستیزی و عقل‌گریزی: نیز از دیگر مبانی پست‌مدرنیسم شمرده می‌شود. چرا که عقل، منشأ بسیاری از قواعد زندگی جمعی است و



پست‌مدرنیسم با تکیه مفرط بر فردگرایی، سرسازش با هیچ قانون اجتماعی را ندارد و همواره افراد را به درهم شکستن -بر مبنای احساس و میل درونی فرد و غریزه- و تغییر دادن همه قواعد، تشویق می‌کند (دلوز، ترجمه نجف‌زاده، ۱۳۸۶، ۳۲). با نفی عقل و بازگذاشتن مسیر هوای نفس فردی، هر کس اجازه دارد با نفی تمام آنچه دیگران می‌گویند، صرفاً بر اساس میل و غریزه خود، عمل کند. پرواضح است که چنین وضعیتی در عمل، منجر به نوعی آنارشسیسم و هرج و مرج اجتماعی می‌شود که هیچ مرجع معتبری برای رسیدگی به کشمکش‌های ناشی از آن باقی نخواهد ماند؛ زیرا هیچ‌کس نباید و نمی‌تواند مانع آزادی بی‌حد و حصر دیگران شود (پایا، ۱۳۷۷). اما در انیمیشن‌ها می‌بینیم که شخصیت اصلی که تمام مرزهای زندگی جمعی و به‌ویژه آموزه‌های والدین و مخالفت‌های آنها را درنوردیده، در نهایت همواره به خلق و کشف دنیای نویی می‌پردازد که با هیچ‌یک از آن قوانین سازگار نیست و عجیب این که این دنیای جدید، همیشه بسیار بهتر و بی‌عیب و نقص‌تر از چیزی است که بتوان تصور کرد و صد البته که تحسین همگان و به‌ویژه مخالفان - به ویژه والدین نگران - را برمی‌انگیزد تا حدی که آنها را واداشته تا شیوه زندگی پیشین خود را به‌طور کامل و با رغبت ترک کرده و در این دنیای جدید، فارغ از مشکلات گذشته با شادی زندگی کنند.

۳. نفی رابطه علیت: این اصل از نتایج جدایی‌ناپذیر عقل‌گریزی است. پست‌مدرن‌ها با نفی علیت، معتقدند که علیت چیزی نیست، جز عادت ذهن، به پی‌درپی دیدن امور و اثر شباهت (دلوز، ترجمه مشایخی، ۱۳۸۸). این

اصل در تعلیم و تربیت به صورت نفی رابطه بین عمل و عکس‌العمل یا به تعبیری فعل و نتیجه آن نمودار می‌شود. به نظر می‌رسد (به نظر نگارنده) در بسیاری از انیمیشن‌ها، رابطه جدی و معناداری بین رفتار شخصیت‌ها و نتیجه عملشان وجود ندارد. در نتیجه خیلی چیزها به صورت تصادفی اتفاق می‌افتد و بسیاری از رفتارها و جریان‌ها با وجود نادرست بودن به پایانی خوش ختم می‌شوند. نفی رابطه بین عمل فرد و سرنوشت او، اعتقاد به معاد و عاقبت‌نگری را متزلزل می‌کند و انگیزه درونی فرد را برای ملتزم بودن به خیر و رفتار صحیح، کم‌رنگ می‌کند و از طرفی موجب شکل‌گیری انتظارات غیرواقعی در کودک شده و او را به موفقیت و سرانجامی خوش در همه کارها عادت می‌دهد، بدون اینکه این موفقیت، حاصل منطقی عمل صحیح او باشد. به علاوه گاهی به این حد هم کفایت نمی‌شود و در برخی انیمیشن‌ها مثل «تام و جری» می‌بینیم که دغل‌کاری و بی‌رحمی جری، همواره باعث پیروزی او بر حریف قدرتمندش می‌شود. اما در تربیت اخلاق‌مدار با تکیه بر اصل علیت همواره تاکید می‌شود که «گندم از گندم بروید جو ز جو». به علاوه تلاش می‌شود افق دید فرد، گسترش یافته و به کسب موفقیت ظاهری اکتفا نکرده، بلکه سعی کند به آنچه صحیح و حق است ملتزم بماند؛ چه در این طریق، موفقیت ظاهری رفیق راه او شود و چه در ظاهر شکست بخورد. نمونه‌های اعلای این رفتار حق‌مدار را می‌توان در حرکت بی‌مانند امام حسین علیه السلام در واقعه کربلا مشاهده کرد که ایشان پیروزی ظاهری را فدای التزام به حق نمودند.



۴. ترویج فلسفه لذت‌گرایی (هدونیسم)^۱: وقتی عقل، شرع، قانون و اخلاق، جهت‌گیری‌های زندگی فرد را ترسیم نکنند و فرد به دنبال اهداف و غایات تربیتی خاصی نباشد؛ خواه ناخواه غرایض و امیال زودگذر نفسانی، وجود وی را در بر گرفته و زندگی او را به سوی اصالت لذت، رهبری خواهند نمود و این چیزی است که پست مدرن‌ها علاوه بر اینکه از پذیرش آن ابایی ندارند، بلکه به شدت به سوی زندگی کردن صرفاً در زمان حال، فارغ از گذشته و آینده و لذت بردن هرچه بیشتر از هر چیز خوشایندی، بدون در نظر گرفتن نتایج کوتاه یا دراز مدت آن تشویق می‌کنند (دلوز، ترجمه مشایخی، ۱۳۸۸). ناگفته پیداست که چنین تفکری چه دنیای سطحی و پرتزاحمی را در پی خواهد داشت؛ هر چند در انیمیشن‌ها، هیچ‌گاه نتیجه ناگواری به بار نمی‌آید و همه چیز ختم به خیر می‌شود!

۵. فردگرایی افراطی: تأکید بر فردگرایی و کثرت‌گرایی افراطی نیز از دیگر دستاوردهای پست‌مدرنیسم است که منجر به تباین و عدم تفاهم بنیادین بین افراد جامعه می‌شود. تأکید بر فردیت افراد به بهانه بها دادن به استعدادها، خاص هر کس و فراهم کردن زمینه بروز امیال فردی به بهانه خلاقیت و با شعار ساختارشکنی، باعث کم‌رنگ شدن بُعد اجتماعی زندگی شده و باعث می‌شود فرد به جای همدلی با دیگران و همراهی با قوانین اجتماعی، میل خود را همچون بتی بپرستد و خود را تنها در برابر «آن چه دلش می‌خواهد» ملتزم بداند.

الف. نگاهی به انیمیشن موش سرآشپز

این انیمیشن، محصول سال (۲۰۰۷) کمپانی والت دیزنی با همکاری کمپانی پیکسار است که در آن سال جزء ده فیلم پر فروش جهان شد. «رمی» موش جوانی است که با پدر محافظه‌کار و سنتی و برادر لذت‌گرا و سطحی‌خویش در گروه بزرگی از موش‌ها زندگی می‌کند. اما او با همه فرق دارد و رؤیای «تغییر» در سر می‌پروراند. داستان با این جمله شروع می‌شود که «من یک موشم و باید در زندگی‌ام تجدیدنظر کنم، اول این که من یک موشم» او از این که موش‌ها آشغال می‌دزدند ناخشنود است و معتقد است اگر قرار است دزد باشند بهتر است چیزهای خوب را بدزدند! اما پدر، او را از نزدیک شدن به آدم‌ها که چیزهای خوب می‌خورند بر حذر می‌دارد، ولی او با نزدیک شدن به زندگی آدم‌ها، گروه را به خطر می‌اندازد و پدر این بار به او اخطار می‌کند که مانند یک موش زندگی کند! او چون نمی‌تواند پدر را متقاعد کند، تصمیم می‌گیرد گروه را ترک کرده و زندگی مخفیانه‌ای را شروع کند؛ لذا وارد آشپزخانه معروف‌ترین رستوران شهر می‌شود و با الهام از شعار صاحب رستوران «گوستیو» که به صورت موجودی خیالی در ذهن او ظاهر می‌شود، تصمیم می‌گیرد استعداد خود را در آشپزی و خلق طعم‌ها و شیوه‌های تازه شکوفا کند. گوستیو معتقد است: «هرکسی می‌تواند آشپز شود». رمی در آنجا هر لحظه در معرض خطر مرگ قرار می‌گیرد، اما با تکیه بر زیرکی و چالاکی‌اش، خود را از دید انسان‌ها مخفی می‌کند و طی اتفاقات پرفراز و نشیبی موفق می‌شود یک کارگر ساده و کودن را به تسخیر خود

در آورده و با مخفی شدن شدن در کلاه آشپزی‌اش، او را مانند یک عروسک خیمه شب بازی به خدمت خود در آورد. به این ترتیب رمی موفق می‌شود، سبک نوین خود را در آشپزی ابداع کند، سبکی که ذائقه انسان‌ها را تغییر می‌دهد و همگان را به اعجاب وامی‌دارد؛ به طوری که حتی «ایگو» منتقد و رقیب قدیمی و سرسخت گوستیو هم، از او شکست می‌خورد. ایگو با آن ظاهر اتو کشیده و رسمی و قیافه خشک و انعطاف‌ناپذیرش، نماینده تمام عیار مدرنیته و سنت‌های عبورناپذیر است. اما وقتی ماجرا برملا می‌شود و همه می‌فهمند که همه این کارها را یک موش رهبری کرده، رستوران گوستیو برای همیشه تعطیل می‌شود؛ اما جالب اینجاست که ایگو به‌عنوان سرمایه‌گذار، وارد میدان می‌شود و بدون نیاز به پنهان‌کاری و ترس رستورانی تأسیس می‌کند که سرآشپز آن رمی است؛ از طرفی پدر رمی و سایر موش‌ها هم، در طبقه بالای این رستوران ساکن شده و به شیوه انسان‌ها، سر میزهای تمیز و مرتب، غذا می‌خورند. به این ترتیب، هم موش‌ها و هم انسان‌ها سبک زندگی گذشته خود را رها می‌کنند و این شیوه جدید را با افتخار و شادی می‌پذیرند.

ب. شیر شاه یک و نیم

در این انیمیشن نیز، یک راسوی جوان و سر به هوا به نام تیمول، به همه قواعد زندگی جمعی راسوها پشت پا می‌زند و به همین دلیل از عهده انجام وظایفی که به او محول می‌شود، برنمی‌آید به طوری که بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی وی، باعث حمله دشمنان به گروه می‌شود و راسوها به سختی از دست کفتارها خلاص می‌شوند. همین امر باعث طرد تیمول از گروه می‌شود.

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیتی

سال اول

پیش‌شماره دوم

زمستان ۱۳۹۱



سرانجام او تصمیم می‌گیرد، گروه را ترک کرده و به دنبال زندگی جدیدی مطابق با سلیقه خود برود؛ اما مادر نگران او به دنبالش اشک می‌ریزد و نمی‌تواند او را رها کند، اما او به مادر اطمینان می‌دهد که برایش اتفاق بدی نخواهد افتاد و جای نگرانی نیست. او بدون نقشه قبلی به سوی سرزمین‌های ناشناخته به راه می‌افتد؛ در میانه راه، میمون دانا به او می‌گوید که باید عمیق‌تر نگاه کند و بی‌خیال همه چیز باشد! به هر حال او در مسیر، با گرازهای همراه می‌شود که او هم، کسی و جایی را ندارد (که به نظر می‌رسد نمادی باشد از انسان کوچ‌رو و بی‌خانمانی که مد نظر پست‌مدرن‌ها است)، به هر حال آن دو همراه می‌شوند تا سرزمین مورد علاقه خود را کشف کنند، در این راه با مخاطراتی روبه‌رو می‌شوند، اما بالاخره به جایی خوش آب و هوا و زیبا که در آن غذای کافی و تفریح و لذت فراوان هست می‌رسند و تصمیم می‌گیرند در آنجا که نام آن را «عیبی نداره بابا! بی‌خیال همه چیز» می‌گذارند، برای همیشه بمانند و خوش بگذرانند، سرزمینی که تنها قانون آن، لذت بردن هرچه بیشتر از زندگی است و دیگر هیچ! به هر حال بعد از ماجراهای جنبی داستان، سرانجام گروه راسوها و مادر نگران او به آنها ملحق می‌شوند و این زندگی لذت‌بخش در روشنایی روی زمین را بسیار بهتر از حفر تونل‌های زیرزمینی و مشکلات ناشی از آن می‌یابند و مادر تیمول برخلاف گذشته، اینک به پسر شجاع و خلاق خود می‌بالد، چرا که او توانسته با پشت کردن به همه قواعد زندگی جمعی، شیوه نوینی را برای زندگی لذت بخش بیابد.

چنانچه ملاحظه می‌شود آموزه‌های پست‌مدرنیستی با ظرافت و دقت در داستان‌هایی جالب، گنجانده شده و هر بیننده‌ای را بارها به سوی خود می‌کشاند. در هر دو داستان، شخصیت اصلی در برابر قوانین حاکم بر زندگی «نوع» مقاومت کرده و توصیه‌های والدین را در جهت التزام به این قواعد، رد می‌کند (نفی فراروایت‌ها)، این مقاومت که بر اساس گرایش و میل به متفاوت بودن در درون این شخصیت‌ها شکل می‌گیرد تاجایی پیش می‌رود که از آنها افرادی بی‌مسئولیت و سر به هوا می‌سازد که هر یک به نوعی زندگی جمعی گروه را در معرض خطر دشمنان قرار می‌دهند و سرانجام آنها را وامی‌دارد تا میل فردی خود را بر همه چیز ترجیح داده و از زندگی جمعی فاصله بگیرند؛ (فردگرایی افراطی و عقل‌گریزی) و به سوی سرنوشتی نامعلوم، رهسپار شوند (انسان کوچک‌رو پست‌مدرن) سرانجام این سفر بدون مقصد به دور دست‌ها، پس از عبور از گردنه‌های خطرناک به سرزمینی امن و خوشایند منتهی می‌شود (نفی علیت بین عمل و نتیجه آن و ختم به خیر شدن بدون دلیل امور) سرزمینی که تنها قانون آن، زندگی در حال و خوش‌گذراندن هرچه بیشتر است (هدونیسیم و لذت‌گرایی).

اما طبق مبانی دینی و اخلاقی، سعادت بشر تنها در گرو التزام به دین، اخلاق و عقل جمعی است و سایر راه‌ها بی‌راهه‌هایی هستند که به ناکجا آباد گمراهی ختم می‌شوند؛ لذا زندگی سعادت‌مندانه نمی‌تواند از هر راهی حاصل شود و چنین آموزه‌های پلورالیستی با حذف مرزبندی‌های میان حق و باطل یا صحیح و غلط، در نهایت به رد زندگی دین‌مدار و اخلاق‌مدار می‌انجامد تا

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

پژوهش‌نامه

سال اول

پیش‌شماره دوم

زمستان ۱۳۹۱



پیام تغییر در هر چیز را در مخاطب نهادینه کند، تغییری بدون جهت‌گیری و به سوی سرزمین‌های ناشناخته، بدون مزاحمت عقل، اخلاق و سنن اجتماعی؛ اما باید توجه داشت که فاصله گرفتن از حق، در واقع به معنی فروغلتیدن در دام باطل است و نه یافتن سرزمینی جدید، فارغ از حق و باطل و هدایت و ضلالت. به هر حال پیام‌های پست‌مدرنیستی انیمیشن‌ها، هر چند اغلب مورد غفلت واقع می‌شوند، اما به صورتی تدریجی و نرم شعار «تغییر بی‌حد و حصر و بدون مبنا و جهت» را به مخاطب القا می‌کنند.



جمع‌بندی

با توجه به مباحث پیشین، به نظر می‌رسد برخلاف تصور عمومی، سرگرم کردن کودکان با انیمیشن، چندان هم خالی از مخاطره نیست؛ چرا که برخلاف تصور عموم مردم، هدف این انیمیشن‌ها در درجه اول، القاء سبک خاصی از زندگی و تربیت افراد بر اساس جهان‌بینی و ایدئولوژی الحادی است و نه سرگرم ساختن کودکان، اما این مفاهیم چنان زیرکانه و پنهان‌القائه می‌شوند که اکثر افراد از توجه به آنها غافلند و بیشتر وجه سرگرمی و جذابیت صوری آنها را مدنظر قرار می‌دهند. برخی از این مفاهیم پنهان عبارتند از: القاء فلسفه اومانیزم، شرک، شیطان‌پرستی، خشونت، سکس، مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر، ترویج رقص و موسیقی محرک، اغراض سیاسی و مشروعیت بخشی به صهیونیسم، القاء مضامین پست‌مدرنی چون نفی فراروایت‌ها، عقل‌ستیزی، نفی علیت، فردگرایی افراطی و لذت‌گرایی. لذا باید هم در انتخاب آنها و هم در ساعات استفاده از آنها، دقت بیشتری به عمل آید. اهمیت این مسئله وقتی دوچندان می‌شود که توجه داشته باشیم کودکان به دلیل تجربه اندک و رشد عقلی محدود خود، در وضعیتی بسیار تلقین‌پذیر قرار دارند و قادر به تمیز حق و باطل و نقد امور نیستند؛ بنابراین در برخورد با آموزه‌های مختلف، به صورتی منفعل و پذیرنده عمل می‌کنند و به سادگی القائات دیگران را به عنوان واقعیاتی اصیل می‌پذیرند و این والدین و مربیان هستند که باید در انتخاب خوراک فکری

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت

سال اول

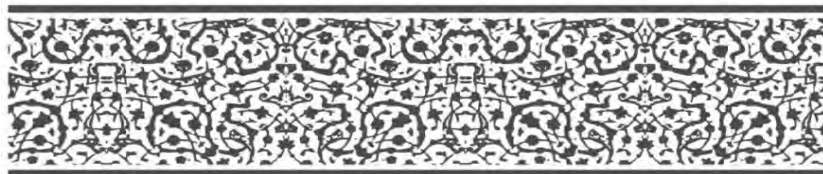
پیش‌شماره دوم

زمستان ۱۳۹۱



کودکان دقت کرده و از معصومیت و سلامت روحی آنها محافظت کنند و همان‌طور که در مورد سلامت جسم ایشان مراقبت و دقت کافی می‌کنند، در این مورد نیز حساسیت و دقت لازم را داشته باشند.

پرواضح است که هدف از طرح چنین مباحثی، این نیست که تماشای انیمیشن‌ها را به کلی طرد و ممنوع کنیم؛ چرا که چنین امری با توجه به مقتضیات عصر حاضر نه مطلوب است و نه ممکن؛ بلکه هدف آن است که والدین در گزینش انیمیشن‌ها، دقت بیشتری به عمل آورند و با خیال آسوده، ذهن پاک کودکان خود را به دست شرکت‌های انیمیشن‌سازی چون والت دیزنی نسپارند و در هنگام تماشای انیمیشن‌ها، خود نیز مانند منتقدی آگاه در کنار کودکان حضور داشته باشند و با نقد صحیح، روحیه نقادی را در کودک پرورش داده، او را از حالت انفعال و پذیرنده صرف، خارج کنند. به این ترتیب تهدید ناشی از پیام‌های تربیتی منفی انیمیشن‌ها تبدیل به فرصت مغتنمی برای پرورش فرزندان فکور و نقاد خواهد شد، فرزندان که در آینده ضمن آگاهی از جدیدترین مباحث روز دنیا، خود را چون برگی به دست جریان‌های قوی و هدفمند دیگران نخواهند سپرد؛ بلکه با اقتدار، بر فراز قله‌ها ایستاده و جریان مبارزه با جنگ نرم را رهبری خواهند کرد.



منابع

* قرآن کریم

۱. باقری، خسرو؛ *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*؛ ج ۱، تهران: انتشارات مدرسه، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۵.
۲. باقری نژاد، زهره؛ *تبیین رویکرد ریزوماتیک به معرفت و نقد چالش‌های آن برای تربیت دینی با تأکید بر رویکرد معرفت‌شناسی رئالیسم*؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس؛ دانشکده علوم انسانی، به راهنمایی دکتر سید مهدی سجادی ۱۳۸۸.
۳. باقری نژاد، زهره؛ «رویکرد ریزوماتیک به معرفت و نقد چالش‌های آن برای تربیت دینی»؛ دو فصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی، سال ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
۴. بهزاد، فریال؛ «انیمیشن و سینمای کودک»؛ نشریه فرهنگ و هنر، فارابی، شماره ۶۲ زمستان ۱۳۸۵.
۵. ترابی مهربانی، مهدی؛ «تحریفات تاریخی مذهبی در انیمیشن شاهزاده مصر»؛ فارابی؛ شماره ۶۲ زمستان ۱۳۸۵.
۶. پایا، علی؛ «نسبی‌گرایی معرفتی و خشونت‌ورزی در صحنه عمل اجتماعی»؛ نشریه کیان؛ بهمن ۱۳۷۷.
۷. دلوز، ژیل؛ *تجربه‌گرایی و سوپرکتیویته*؛ ترجمه عادل مشایخی؛ نشر نی، ۱۳۸۶.
۸. دلوز، ژیل و دیگران؛ *بازگشت به آینده*؛ ترجمه رضا نجف‌زاده؛ تهران: گام نو، ۱۳۸۶.
۹. درخشانی، م؛ «صهیونیسم و نمادپردازی در برنامه‌های کودکان»؛ نشریه فرهنگ و هنر، فارابی؛ شماره ۶۲ زمستان ۱۳۸۵.
۱۰. زرهانی، سیدحسین؛ *والیت دیزنی و صهیونیسم بین‌الملل*؛ www.alvadosadegh.com بازدید در ۹۱/۶/۵.
۱۱. حسینی، سیدحسین؛ *رسالت عقل از دیدگاه قرآن*؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛ به راهنمایی آشتیانی؛ ۱۳۷۹.
۱۲. طاهری، طیبه؛ *والیت دیزنی؛ ابزر رسانه صهیونیست‌ها*؛ resistnews.com/Fa/news.www بازدید در ۹۱/۹/۱۲.

۱۳. کایانی فر، اکرم؛ «نقش رسانه در تربیت کودکان»؛ www.rasekhoon.net، بازدید در ۹۱/۵/۲۵.
۱۴. کهن، لارنس؛ ترجمه عبدالکریم رشیدیان؛ *از مدرنیسم تا پست مدرنیسم*؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.
۱۵. عباسی، حسن؛ *جنگ جهانی چهارم*؛ قم: انتشارات پارسیان ۱۳۸۲.
۱۶. گزارش ویژه مشرق؛ *شرکت والت دیزنی چگونه ذهن کودکان دنیا را کنترل می‌کند؟*؛ www.mashreghnews.ir، بازدید در ۹۱/۶/۷.
۱۷. پایگاه اطلاعاتی افسران جوان جنگ نرم، www.afsaranjavan.ir، بازدید در ۹۱/۶/۲۰.
۱۸. پایگاه اطلاعاتی نورمگز، www.noormags.com، بازدید در ۹۱/۶/۱۵.
۱۹. پایگاه اطلاعاتی در انتهای افق، shdeo.blogfa.com، بازدید در ۹۱/۵/۲۰.
۲۰. پایگاه اطلاعاتی وعده صادق، www.alvadossadegh.com، بازدید در ۹۱/۶/۵.
۲۱. پایگاه اطلاعاتی راسخون، www.rasekhoon.net، بازدید در ۹۱/۵/۲۵.
۲۲. پایگاه اطلاعاتی خبرگزاری مقاومت اسلامی، www.resistnews.com، بازدید در ۹۱/۹/۱۲.
۲۳. پایگاه اطلاعاتی مشرق، www.mashreghnews.ir، بازدید در ۹۱/۶/۷.